



فرصت‌ها و چالش‌های سیاسی - امنیتی راهبرد نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران

سعید صادقی *^۱ - قربانعلی قربانزاده سوار^۲

چکیده:

راهبرد «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران در دو دهه اخیر، به یک محور کانونی در تدابیر راهبردی این کشور تبدیل شده است. پرسش محوری این پژوهش آن است که: «اجرای راهبرد نگاه به شرق، چگونه معادلات امنیت ملی ایران را در سیستم منطقه‌ای غرب آسیا بازتعریف کرده و چه هزینه‌ها و منافع را برای ایران در پی داشته است؟» یافته مرکزی مقاله حاکی از یک تناقض امنیتی ذاتی در این راهبرد است. از یک سو، این راهبرد فرصت‌های بی‌بدیلی را ایجاد کرده و از سوی دیگر، این پژوهش استدلال می‌کند که این راهبرد، چالش‌های عمیقی نیز پدید آورده که ثبات امنیتی بلندمدت ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مقاله در نتیجه‌گیری خود بر این نکته تأکید دارد که راهبرد نگاه به شرق، اگرچه در کوتاه‌مدت به یک ضرورت راهبردی برای بقای جمهوری اسلامی ایران بوده، اما در بلندمدت، منطقه را به عرصه‌ای برای رقابت قدرت‌های بزرگ تبدیل کرده و امنیت ایران را در دام یک بازی با حاصل جمع جبری صفر گرفتار کرده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نگاه به شرق، واقع‌گرایی تهاجمی، موازنه قدرت، امنیت ملی، رقابت قدرت‌های بزرگ

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
Saeedsadeghi2000@gmail.com

۲ - دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

مقدمه

در جهان به شدت رقابتی قرن بیست و یکم، سیاست خارجی ایران از زمان انقلاب اسلامی تاکنون، در تعامل با نیروهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای دستخوش تحولاتی بنیادین شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی درک تصمیم گیرندگان سیاست خارجی ایران از روابط بین الملل متحول شد و نفی سلطه بیگانگان به مؤلفه اصلی در تدوین سیاست خارجی تبدیل شد. از اینرو، نوع نگاه حکومت به نظام بین الملل در اصل محوری «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تجلی یافت (رومی، ۱۴۰۲). اما با آشکار شدن هزینه های سنگین این راهبرد که نمونه های آن را می توان در اتحاد ابر قدرت های شرق و غرب در حمایت از رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی (پاک آیین، ۱۴۰۳: ۱۰۱) و همچنین تحریم های یک جانبه آمریکا و قطعنامه های شورای امنیت دید، لزوم تحولات بنیادین در اولویت های سیاست خارجی غیرقابل انکار به نظر می رسید. سیاست «نگاه به شرق» یا «نگاه به آسیا»^۱ که در دو دهه اخیر در پی ناامیدی ایران از غرب به یکی از اولویت های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدل گشته، کانون این تحولات است.

سیاست نگاه به شرق مفهومی است که از دهه ۱۹۹۰ و به ویژه به دنبال سیاست مهار دوگانه آمریکا در خاورمیانه و با هدف افزایش روابط با روسیه، چین، هند و کشورهای آسیایی مورد توجه ایران قرار گرفت. در آن مقطع ایران در عین حال که امیدوار به توسعه روابط با غرب بود؛ فصل جدیدی از همکاری های اقتصادی، سیاسی و امنیتی با دو کشور روسیه و چین را گشود. این راهبرد در دولت سیدمحمد خاتمی به واسطه تنش زدایی در روابط ایران و غرب کنار گذاشته شد. نقطه اوج سیاست نگاه به شرق در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ اتفاق افتاد. نگاه غالب در آن سال ها این بود که اگر ایران به دولت های چین، روسیه و هند نزدیک شود، هم می تواند از رأی مثبت آنها در آژانس بین المللی انرژی اتمی و شورای امنیت برخوردار گردد و هم اینکه خود را از فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم های غرب رهایی بخشد. اما با روی کار آمدن دولت حسن روحانی، سیاست خارجی ایران از نگاه به شرق فاصله گرفت و مجدد نگاه به غرب را جایگزین آن ساخت. با تشکیل دولت سیزدهم، ابراهیم رئیسی نیز از همان ابتدا پیگیری سیاست نگاه به شرق را راهبرد سیاست خارجی خود اعلام کرد (تقوایی پور و باقری دولت آبادی، ۱۴۰۳: ۱۰۳).

در سال های اخیر، سیر رویدادها و تحولات بین المللی و منطقه ای نظیر رشد شتابان اقتصادی چین، فزونی گرفتن آتش جنگ روسیه و اوکراین، روی کار آمدن دوباره ترامپ و اعلام جنگ تجاری و تعرفه ای با چین، رأی چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل به نفع ایران در خصوص تحریم های این شورا و در نهایت، جنگ های تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، جملگی باعث شد تا راهبرد نگاه به شرق در دولت مسعود پزشکیان نیز با شدت بالایی پیگیری شود.

درک عمق این تحول، مستلزم عبور از تحلیل های سطحی و گسست از خوانش های صرفاً اقتصادی است. آنچه «نگاه به شرق» را به موضوعی شایان تأمل بدل می کند، تأثیر دوسویه آن بر امنیت ملی ایران است. از یک سو، این راهبرد با گشودن کانال های همکاری با قدرت های شرقی مانند چین و روسیه، فرصت های بی بدیلی برای ایران در حوزه انتقال

^۱ - (Look to the East), (Pivot to the East), (Eastern Policy) سیاست شرقی، چرخش به شرق یا نگاه به شرق: اشاره به راهبردی دارد که در آن محور توجه سیاست خارجی از کشورهای غربی برداشته شده و بر روی کشورهای شرقی متمرکز می شود. در زبان آلمانی شرقی (Ostpolitik) بنگرید به: شیخ الاسلامی و عطازاده Sanaei & Karami, 2021. URL: 1, 1401

فناوری، همکاری‌های امنیتی، و ایفای نقش در نهادهای چند جانبه (مانند سازمان همکاری‌های شانگهای) ایجاد کرده است. از سوی دیگر، همین مسیر، ایران را در معرض چالش‌های نوینی قرار داده است، از جمله: افزایش احتمال رویارویی مستقیم تر با بلوک غرب، وابستگی راهبردی به متحدانی با منافع گاه متعارض، و تشدید گفتمان امنیتی سازی علیه جمهوری اسلامی ایران.

پرسش محوری این مقاله بر این تناقض متمرکز است: اجرای راهبرد نگاه به شرق، چگونه معادلات امنیت ملی ایران را در سیستم منطقه‌ای غرب آسیا باز تعریف کرده و چه هزینه‌ها و منافع را برای ایران در پی داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، این مقاله با اتخاذ چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی، به تحلیل این فرضیه می‌پردازد که راهبرد نگاه به شرق، اگرچه در کوتاه مدت ضرورتی راهبردی برای تضمین بقا و کاهش فشارهای خارجی بوده، اما در بلند مدت، ایران را در دام یک «تناقض امنیتی» گرفتار کرده است. در این تناقض، دستاوردهای امنیتی کوتاه مدت، با هزینه‌های راهبردی بلند مدت و تشدید میدان رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه حساس غرب آسیا همراه شده است. ساختار این مقاله بدین ترتیب است: پس از مقدمه، ادبیات پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است و سپس چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی^۱ تبیین خواهد شد. در ادامه، با روشی توصیفی - تحلیلی و با استناد به اسناد بالا دستی، بیانیه‌های هم‌پیوندی راهبردی و گزارش‌های معتبر بین‌المللی، فرصت‌ها و سپس چالش‌های سیاسی - امنیتی این راهبرد به تفصیل بررسی می‌شود. در نهایت، در بخش نتیجه‌گیری، بر پایه یافته‌های تحقیق، گذار از یک «نگاه به شرق ایدئولوژیک» به سوی یک «راهبرد شرقی عملگرا و مبتنی بر محاسبه هزینه - فایده» پیشنهاد خواهد شد.

ادبیات پژوهش

در رابطه با راهبرد نگاه به شرق، پژوهش‌های متعدد و متنوعی به زبان‌های معتبر بین‌المللی از جمله زبان فارسی به رشته تحریر درآمده است که هر کدام از جنبه‌های گوناگون هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناسی به این مهم پرداخته‌اند. آقایان فریبرز ارقوانی پیر سلامی و علی دهقان (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «ایران در گرداب سیاست نگاه به شرق: چگونه عزت و حکمت فدای مصلحت می‌شوند؟» به سه اصل اساسی عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و به این سوال پاسخ می‌دهند که چگونه این سه اصل منجر به ظهور سیاست نگاه به شرق در ایران شده است. آنها استدلال می‌کنند که عزت و حکمت در رابطه با سیاست نگاه به شرق فدای مصلحت شده است. منیره اخوان (۱۳۹۲) در کتاب خود تحت عنوان «تأثیر سیاست نگاه به شرق بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» به نقش رویکرد نگاه به شرق در تأمین منافع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است و توضیح می‌دهد که چگونه سیاست نگاه به شرق می‌تواند امنیت انرژی در بعد اقتصادی و برنامه هسته‌ای در بعد سیاسی را تأمین نماید. شیرین هانترا^۲ (۲۰۲۴) در مقاله خود با عنوان «چرا سیاست نگاه به شرق ایران شکست خورده است؟» به طور اجمالی به سیاست نگاه به شرق و جوانب آن پرداخته و در پایان نتیجه می‌گیرد که این رویکرد به دلیل دشمنی ذاتی ایران با ایالات متحده و اسرائیل شکست خورده است؛ چراکه ایالات متحده در اغلب موارد چین و روسیه را در همکاری با ایران

^۱ - Aggressive Realism Theory

^۲ - Shireen Hunter

منصرف کرده است. یاووز چلیک^۱ (۲۰۲۲) در اثر خود تحت عنوان «مروری بر روابط چین و ایران و تأثیر آن بر آسیای مرکزی» به تعامل ایران و چین در قالب قرارداد ۲۵ ساله، ابتکار یک جاده یک کمربند و سازمان همکاری شانگهای و تأثیر این تعاملات بر کشورهای آسیای مرکزی پرداخته است. سید قندیل عباس (۲۰۲۳) در مقاله خود با عنوان «سیاست نگاه به شرق ایران: گامی به سوی مقابله با فشارهای غرب» روند گرایش ایران به شرق را تبیین کرده و به بررسی انتقادی این موضوع پرداخته که ایران چگونه می‌تواند سیاست نگاه به شرق خود را تحت سناریوهای منطقه‌ای و بین‌المللی جاری اجرا کند. محسن پاک‌آیین (۱۴۰۳) در مقاله خود با عنوان «نگاه به شرق از تبیین تا راهبرد (با تأکید بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی)» به بررسی سیاست نگاه به شرق از منظر اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است. با مطالعه سوابق و پیشینه پژوهش، فقر تحقیقاتی همسو با موضوع پژوهش حاضر به صورت قابل توجهی در ادبیات موجود به چشم می‌خورد. این تحقیق از وجوه گوناگون که در زیر به آن‌ها اشاره شده است با پژوهش‌های پیشین متفاوت است: الف) این تحقیق راهبرد نگاه به شرق را نه به عنوان یک انتخاب سیاسی ساده، بلکه در قالب یک «پارادوکس امنیتی» ذاتی تحلیل می‌کند؛ ب) بر تعامل دیالکتیکی میان دستاوردهای امنیتی کوتاه مدت و هزینه‌های راهبردی بلندمدت تأکید می‌ورزد؛ ج) ایران را در سیستم منطقه‌ای غرب آسیا نه فقط به عنوان کنشگر منفعل، بلکه به عنوان بازیگری فعال در حال بازتعریف معادلات امنیتی از طریق راهبرد شرقی در نظر می‌گیرد؛ د) راهکار عملیاتی‌ای برای خروج از بن‌بست به ایران پیشنهاد می‌دهد.

چارچوب نظری: نظریه واقع‌گرایی تهاجمی

نظریه واقع‌گرایی تهاجمی که بیش از هر کسی با نام جان مرشایمر^۲ شناخته می‌شود، شاخه‌ای از واقع‌گرایی نوکلاسیک محسوب می‌شود که از نظر استدلالی بسیار به والتر شباهت دارد. اما در تحلیل‌های خود بسیار به مطالعات تاریخی بها می‌دهد و باتوجه به تأکید بر غیرمستقیم و پیچیده بودن تأثیر قدرت نسبی بر سیاست خارجی راه خود را از نوواقع‌گرایی جدا می‌کند (مشیرزاده، ۱۴۰۱: ۱۳۰). این نظریه برخلاف رئالیسم کلاسیک مهمترین مسأله را برای دولت‌ها امنیت‌سازی می‌داند و نگاه متفاوتی به علل و ریشه‌های پویای رفتار بازیگران در نظام آنارشیک بین‌الملل دارد. از مهمترین نظریه‌پردازان این نظریه می‌توان از جان مرشایمر، رابرت جرویس^۳، جک اسنایدر^۴، فرید زکریا^۵، ویلیام وولفورت^۶، و تامس کریستیانسن^۷ نام برد (نوروزی، ۱۳۹۳). از دید جان مرشایمر دولت‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که سرشار از تهدیدات است و واحدهایی‌اند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند: «هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است». به نظر مرشایمر دلیل اصلی قدرت‌طلبی دولت‌ها را باید در سه چیز جستجو کرد: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل؛ توانمندی‌های تهاجمی؛ و عدم اطمینان در مورد نیات و مقاصد دشمن (مشیرزاده، ۱۴۰۱: ۱۳۱-۱۳۲). به

1- Yavuz CELIK

2- John Mearsheimer

3- Robert Jervis

4- Jack Snyder

5- Fareed Zakaria

6- William Wohlforth

7- Thomas Christensen

طور خلاصه می‌توان مفروضه‌های نظریه واقع‌گرایی تهاجمی را به شرح زیر بیان نمود: الف) واقع‌گرایان تهاجمی بر این باورند که به علت آنارشیسم بودن ماهیت نظام بین‌الملل، مخاصمه در نظام بین‌الملل اجتناب‌ناپذیر است؛ ب) دولت‌ها بازیگران خردورز و کارگزاران اصلی در نظام بین‌الملل هستند؛ ج) برای دولت‌ها قدرت نسبی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ د) تأکید آن‌ها بر تحلیل‌های تاریخی است؛ و) افزایش قدرت امری دائمی محسوب می‌شود؛ ه) کسب بقا منوط به اتخاذ وضعیت تهاجمی است و به تنش‌زایی و خلع سلاح ابرقدرت‌ها اعتقادی ندارند (نوروزی، ۱۳۹۳).

عوامل مؤثر بر پیگیری رویکرد نگاه به شرق از سوی جمهوری اسلامی ایران

برای پاسخ به این سؤال که «چرا جمهوری اسلامی ایران راهبرد نگاه به شرق را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است؟» می‌توان به چندین عامل اشاره کرد. در زیر عواملی که منجر به اتخاذ این سیاست از سوی ایران شده است در سه سطح تحلیل خرد، میانه و کلان بررسی شده است.

یکی از عواملی که در سطح خرد می‌توان آن را بررسی کرد و تأثیر قابل توجهی در گرایش ایران به شرق داشته است، نقش امامین انقلاب در اتخاذ این سیاست است. امام راحل (ره)، عمدتاً کشورهای آسیا را به عنوان «شرق» مورد توجه قرار داده و در مفهوم سیاسی، شرق را به معنای کشورهایی می‌دانستند که صرف‌نظر از موقعیت جغرافیایی، در مقابل «غرب» قرار داشتند. درواقع کشورهای واقع در آسیا و کشورهای هم‌سو با سیاست خارجی ایران در ادبیات سیاسی امام خمینی، شرق نامیده می‌شدند. رویکرد امام خمینی (ره) در سیاست خارجی، ایجاد نوعی تفاهم و اتحاد در جناح «شرق» برای مقابله با سلطه‌طلبی «غرب» بود. امام راحل برای شرق با مفاهیم جغرافیایی و سیاسی، اصالت قائل بوده و حتی به غیرمسلمانان توصیه می‌کردند که شرقی باشند و در مقابل غرب بایستند. (پاک‌آیین، ۱۴۰۳: ۱۰۶) علاوه بر امام خمینی (ره)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در روابط خارجی توجه ویژه‌ای به شرق و کشورهای آسیایی داشته است، این نگرش در سخنان آن بزرگوار نمایان است. «در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویتهای امروز ما است»، از نظر رهبر انقلاب، نگاه به شرق یک رویکرد واقع‌بینانه بوده که به دنبال استفاده از فرصت‌های ارتباطی با کشورهای مختلف است. در بیانات ایشان، گزاره «ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهایی که با ما وجه مشترکی دارند» دلالت بر ضرورت توجه ایران به کشورهای همسایه و حوزه آسیا دارد. ایشان با توجه به اهمیت آسیا، کار با این قاره را «مجاهدت» دانسته و می‌گویند: «آسیا یک قاره بزرگی است، ما در غرب آسیا قرار داریم. این منطقه منطقه بسیار حساسی است؛ منطقه‌ای است از لحاظ راهبردی مهم، از لحاظ نظامی مهم، از لحاظ منابع زیرزمینی مهم، از لحاظ ارتباط بین سه قاره «آسیا، اروپا و آفریقا» مهم. منطقه مهمی است. روی این منطقه برنامه دارند، نقشه دارند؛ باید این نقشه‌ها را ببینیم چیست و با این مقابله کنیم؛ این شد مجاهدت». رهبر انقلاب، حتی ارتباط علمی با کشورهای پیشرفته آسیایی را در قالب رویکرد نگاه به شرق، بر همکاری با غرب ارجح دانسته و تصریح می‌کنند: «عمدتاً نگاه باید طرف شرق باشد؛ نگاه طرف غرب و اروپا و مانند اینها برای ما جز معطل کردن، جز دردسر، جز منت کشیدن و کوچک شدن هیچ اثری ندارد» (پاک‌آیین، ۱۴۰۰). در اندیشه امامین انقلاب، غرب همواره دشمن ملت ایران محسوب می‌شود؛ دشمنی، عدم اطمینان را در پی دارد؛ عدم اطمینان از نیت و مقاصد دشمن؛ این دقیقاً همان چیزی است که جان مرشایم از آن به عنوان عامل افزایش قدرت برای حفظ بقا یاد می‌کند.

عامل دوم که در سطح میانه بررسی شده است، نقش آموزه های انقلابی و اصول مندرج در اسناد بالا دستی جمهوری اسلامی ایران مانند سند چشم انداز ۱۴۰۴ است. از زمان انقلاب ۱۹۷۹، روابط ایران با غرب همواره پر تنش بوده است. قطع روابط دیپلماتیک با ایالات متحده، همراه با مشکلات و اختلافات دوجانبه، ایران و کشورهای غربی را علیرغم انعقاد توافق سعدآباد در سال ۲۰۰۳ و به دنبال آن برجام در سال ۲۰۱۵، وارد یک منطقه پرتنش و نامطمئن کرد. این امر ایران را بر آن داشت تا یک استراتژی ویژه سیاست خارجی برای کاهش فشار غرب اتخاذ کند؛ این استراتژی به عنوان «چرخش به شرق» یا «استراتژی شرقی» شناخته می شود (Sanaei & Karami, 2021: 27). نقش آموزه های انقلابی در تعریف سیاست خارجی و منافع ملی حاکی از این است که ایران به عنوان یک دولت-ملت مستقل حامل یک پیام ایدئولوژیک و الگوی جایگزین برای نظم موجود است (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یک سیاست جامع و فراگیر است و بر اساس مفاد مندرج در سند چشم انداز ۱۴۰۴ به «تعامل سازنده با جهان» اعتقاد دارد. راهبردهای سیاست خارجی نیز منبعث از این جامعیت است و در عین اعتقاد به ارتباط با کشورهای مختلف جهان، برای تقویت مناسبات با شرق، اولویت قائل است. این رویکرد به معنای بی توجهی نسبت به ارتباط با غرب نیست اما به دلیل بی اعتمادی به آمریکا و اروپا، اولویت را برای تامین منافع ملی، به شرق داده شده است (پاک آیین، ۱۴۰۰). عامل سوم که می توان از آن به عنوان عامل اصلی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران یاد کرد، ساختار نظام بین الملل است. بعد از انقلاب اسلامی و به تبع آن مسأله صدور انقلاب، بحران فلسطین، مسأله موشکی و هسته ای و حادثه ۱۱ سپتامبر؛ جمهوری اسلامی ایران در دیده جوامع غربی، به عنوان کشوری که خواهان تغییر نظم موجود است، ظاهر گشت. بر این اساس، اغلب کشورهای اروپایی و ایالات متحده، سیاست خارجی ایران را در تضاد با منافع خود می دیدند. همین عامل، موجب شد تا جوامع غربی که در رأس آن ایالات متحده قرار داشت، اقداماتی را در جهت مهار و در صورت امکان، براندازی حکومت جمهوری اسلامی ایران انجام دهند.

از تحریم ها و حيله گری های جیمز کارتر^۱ گرفته تا سیاست مهار دوجانبه^۲ جفرسون کلینتون^۳ که طرح داماتو^۴ نیز جزو همین سیاست محسوب می شود، و همچنین نسبت دادن محور شرارت^۵ به ایران در زمان بوش پسر^۶ و تا سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ^۷ (گوهری مقدم، ۱۳۹۹: ۱۷۶-۲۲۲-۲۴۰)؛ جملگی، هدف واحدی را دنبال می کنند که همان «براندازی جمهوری اسلامی ایران» است. در چنین شرایطی، براساس نظریه واقع گرایی تهاجمی، جمهوری اسلامی ایران بقای خود را در خطر می بیند و لزوم اتخاذ سیاست هایی که موجودیت ایران را حفظ کند، موجه می سازد.

علاوه بر موارد فوق، موقعیت ژئواستراتژیکی ایران نیز در سیاست نگاه به شرق تأثیر بسزایی داشته است. برای توضیح این گزاره باید خاطر نشان کرد که موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در سیاست خارجی چین و روسیه از جایگاه ویژه ای برخوردار

^۱- James Carter

^۲- Dual Containment

^۳- William Jefferson Clinton

^۴- براساس این قرارداد، قراردادهای تجاری شرکت های آمریکایی با ایران به صورت یک جانبه لغو شدند و شرکت ها در صورت امضاء قرارداد، حدود ۲۰ میلیون دلار جریمه می شدند.

^۵- Axis of Evil

^۶- George Walker Bush

^۷- Donald John Trump

است؛ چرا که روسیه از دیرباز برای دستیابی به آبهای آزاد و استفاده از قابلیت‌های ترانزیتی خلیج فارس همواره سعی در نفوذ و تعمیق بخشیدن روابط خود با ایران بوده و چین نیز به عنوان کشور نوظهور، برای اجرای طرح یک کمربند - یک جاده و تکمیل پروژه های اقتصادی خود به شدت به جغرافیای ایران وابسته است. همچنین هند و چین به عنوان اقتصادهای نوظهور برای تأمین انرژی خود به منابع نفت و گاز خلیج فارس وابسته هستند. به طور کلی، راهبرد نگاه به شرق، از یک سو تحت تأثیر آرمان ها و هویت ایدئولوژیک نظام است و از سوی دیگر، پاسخی است به محدودیتهای ساختاری شدیدی که تحریم ها و موقعیت ژئوپلیتیک به ایران تحمیل کرده اند. لذا این راهبرد، صرفاً یک انتخاب سیاست خارجی نبوده، بلکه پاسخی ساختاری به یک بحران ژئوپلیتیک فزاینده است. در ادامه به تحلیل و بررسی فرصت ها و چالش‌های سیاسی - امنیتی راهبرد نگاه به شرق پرداخته شده است.

فرصت‌های سیاسی - امنیتی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران

فرصت‌های سیاسی - امنیتی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران را به طور کلی می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد: الف) شکستن انزوای راهبردی و ارتقای موقعیت منطقه‌ای؛ ب) ایجاد موازنه نرم در برابر هژمونی غرب؛ ج) دستیابی به کانال‌های امن انتقال فناوری.

الف) شکستن انزوای راهبردی و ارتقای موقعیت منطقه‌ای: با توجه به اینکه جهان آینده «جهان مناطق» و نه جهان «واحدهای ملی» خواهد بود؛ پیمان‌ها و سازمان‌های متعددی با اهداف اقتصادی و سیاسی و امنیتی نظیر اکو، آسه‌آن، سارک، اوپک و شانگهای در منطقه آسیا شکل گرفته است. مطرح شدن سیاست نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران راهبردی اصولی در این زمینه برای ایفای نقش مؤثر ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و همچنین گسترش و تقویت این سازمان‌ها می‌باشد (اخوان، ۱۳۹۲: ۷۰-۷۱). یکی از مهم‌ترین سازمان‌هایی که زمینه مناسبی را در جهت ارتقای موقعیت منطقه‌ای ایران و خروج این کشور از انزوای تحمیلی غرب فراهم ساخته، سازمان همکاری شانگهای^۱ است. از اهداف این سازمان می‌توان به تقویت اعتماد متقابل، مقابله مشترک با تروریسم، گسترش همکاری‌های اقتصادی - سیاسی، همکاری برای حفظ صلح و امنیت و ثبات منطقه و اتخاذ راهبردهای هماهنگ برای ورود به ائتلاف با اقتصاد جهانی اشاره کرد. جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر (اخوان، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۵)، و در سال ۲۰۲۲ به عضویت دائم این سازمان درآمده. شواهد نشان می‌دهند که این عضویت، دستاوردهای راهبردی چند بعدی برای ایران به ارمغان آورده است. ایران از طریق مکانیسم های تصمیم گیری این سازمان، توانسته در مهندسی نظم امنیتی منطقه نقش فعال تری ایفا کند. برای نمونه، مشارکت ایران در طراحی «نظام مقابله با تهدیدات امنیتی غیر متعارف» در چارچوب این سازمان، موقعیت ایران به عنوان کنشگر امنیتی مؤثر را تثبیت کرده است. نقش محوری ایران در سازمان همکاری اقتصادی «اکو»^۲ نیز ابزار اقتصادی مهمی در تقویت استراتژی شرقی به شمار می‌رود. از زمان تأسیس این سازمان، حمل و نقل و ارتباطات، یکی از برنامه های مهم آن بوده، به گونه‌ای که پیشنهاد اتصال شبه قاره هند به اروپا از طریق شبکه راه آهن پاکستان، ایران و ترکیه در جلسات مختلف اکو مورد بحث

^۱- SCO: Shanghai Cooperation Organization

^۲- Economic Cooperation Organization

قرار گرفته و گام های مهمی در این زمینه برداشته شده است (Sanaei & Karami, 2021: 33-34). در صورت عملیاتی شدن این طرح، قابلیت های ترانزیتی ایران چندبرابر ظرفیت فعلی می شود که همین امر دامنه فعالیت گسترده تری برای ایران از جنبه های سیاسی - امنیتی فراهم می سازد. بنابراین، مانورهای منطقه ای ایران در قالب سازمان های منطقه ای نظیر اگو و سازمان همکاری شانگهای می تواند یک امکان مهم برای منطقه گرایی شرقی تلقی شود.

ب) ایجاد موازنه نرم در برابر هژمونی غرب: موازنه نرم، یعنی مجموعه ای از اقدامات دولت های ضعیف تر در مقابل قدرت برتر، که به گونه ای مستقیم، برتری نظامی قدرت برتر را به چالش نمی کشد، بلکه به صورت غیر مستقیم با خنثی کردن مقاصد، به تأخیر انداختن اجرا یا اتمام برنامه ها، افزایش هزینه ها و تحلیل بردن توان، منجر به مهار قدرت برتر می شود (شیرخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۱). بر این اساس، مجموعه همکاری هایی که جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیایی در قالب سیاست نگاه به شرق و در راستای ایجاد موازنه در برابر غرب داشته است، در این مبحث مورد بررسی قرار می گیرد. عضویت ایران در گروه بریکس^۱ در سال ۲۰۲۴ یک نمونه از این همکاری هاست؛ گروه بریکس از زمان تشکیل، اهداف متعددی را دنبال کرده که می توان آن ها را به چند دسته اصلی تقسیم کرد: اصلاح نظام مالی جهانی؛ تقویت همکاری های اقتصادی؛ کاهش وابستگی به دلار آمریکا؛ افزایش نفوذ سیاسی؛ همکاری در زمینه های علمی و فناوری؛ مقابله با چالش های جهانی (URL:2). این پیوستن می تواند هژمونی ساختارهای قدرت کشورهای غربی که در موارد بسیاری از طریق ابزارهایی همچون تحریم به ناعدالتی اقتصادی در جهان دامن می زنند را به چالش بکشد (انتظاری، ۱۴۰۲). اما مهم ترین اقداماتی که منجر به موازنه در برابر هژمونی غرب شده است را باید در همکاری های دوجانبه بین ایران با روسیه، چین و هند در نظر داشت. روابط دوجانبه بین ایران و چین در سال های اخیر بسیار گسترش یافته است. گردش مالی تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۰ میلیارد دلار بود که در سال ۲۰۱۴ به حدود ۲۲ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۷ به ۳۷ میلیارد دلار رسید و توافق ۲۵ ساله ایران و چین، دو کشور را در مسیر همکاری بلندمدت و استراتژیک قرار داده است. علاوه بر این، طرح «یک جاده - یک کمربند» چین، با منافع ایران در تضاد نیست و ایران تلاش کرده است تا نقش مؤثری در تعامل با این طرح ایفا کند (Sanaei & Karami, 2021: 34-35). در زمینه هسته ای نیز، چین یکی از شرکای مهم هسته ای ایران در دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷ میلادی محسوب می شود (اخوان، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۷). در خصوص روسیه باید اذعان داشت که، سیاست منطقه ای ایران با منافع روسیه، به ویژه در سوریه، قفقاز، آسیای مرکزی و افغانستان همسو است. هر دو کشور ادعا می کنند که اتحاد آن ها معطوف به مبارزه با تروریسم و افراط گرایی در خاورمیانه، به ویژه در شکست داعش است. روابط دوجانبه ایران و روسیه، به ویژه در حوزه نظامی بیش از هر زمان دیگری در حال رشد است. پس از شروع جنگ اوکراین، رسانه های غربی ادعا کردند که روسیه از پهبادهای ایرانی در اوکراین استفاده کرده است. از آن زمان، توافق نامه های دفاعی دوجانبه بسیاری امضا شده و دیدارهای سطح بالایی از هر دو طرف صورت گرفته است. همچنین توافق شده است که ایران در بهار ۲۰۲۳ جنگده های سوخو ۳۵ را از روسیه دریافت کند (Abbas, 2023: 66-67). در زمینه هسته ای نیز، روسیه و ایران همکاری های چشمگیری داشته اند؛ در این راستا در سال ۱۹۹۵ قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار بین ایران و روسیه به امضا رسید. روسیه عملیات

^۱-BRICS

ساخت نیروگاه اتمی را تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای انجام داد (اخوان، ۱۳۹۲: ۶۴). به طور کلی، ایران و روسیه با فشار مشابهی از سوی غرب روبرو هستند که آن‌ها را به هم نزدیک می‌کند و به سیاست نگاه به شرق ایران کمک می‌کند (Abbas, 2023: 67). تمرینات مشترک نظامی در دریای خزر و خلیج فارس مانند زاپاد در سال ۲۰۲۵ که بین روسیه، بلاروس، هند، بنگلادش و ایران برگزار شد و همچنین همکاری در زمینه سایبری و جنگ الکترونیک نیز نمونه‌های دیگری از این همکاری‌هاست. این اقدامات نه تنها قدرت چانه‌زنی ایران در برابر غرب را افزایش داده، بلکه اهرم‌های فشار جدیدی در اختیار ایران قرار داده است.

ج) دستیابی به کانال‌های امن انتقال فناوری: در مباحث فوق گفته شد که هدف دولت‌ها «تلاش برای حداکثرسازی قدرت در محیط آنارشیک بین‌المللی» است. دستیابی ایران به فناوری‌های حساس از طریق بستری که سیاست نگاه به شرق فراهم کرده را می‌توان نمونه‌ای از این تلاش‌ها در نظر گرفت. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از راهبرد نگاه به شرق، موفق به ایجاد «کریدورهای امن فناوری» شده که این امر در راستای «افزایش توان بازدارندگی» و «کاهش وابستگی به غرب» قابل تحلیل است. نمونه‌ای از این فناوری را می‌توان در همکاری‌های فضایی ایران با روسیه دید؛ بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های فضایی روسکاسموس^۱، ایران در چارچوب توافقنامه همکاری‌های فضایی ۲۰۲۲، به فناوری‌های پیشرفته سنجش از دور و ماهواره‌های ارتباطی دست یافته است که منجر به پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره «خیام» شده است (Roscosmos, 2024). علاوه بر این، مطابق مطالعه مؤسسه مطالعات امنیت ملی^۲ چین، در چارچوب توافقنامه ۲۵ ساله، ایران به فناوری‌های پیشرفته در زمینه سیستم‌های کنترل صنعتی، فناوری‌های نیمه‌هادی و سامانه‌های پردازش ابری امن دست یافته است (Cybersecurity Research Center, 2024). براساس گزارش مرکز مطالعات سایبری دانشگاه پکن، همکاری ایران با شرکای شرقی در حوزه سایبری منجر به توسعه «شبکه ملی اطلاعات» با معماری امن و ارتقای قابلیت‌های دفاع سایبری شده است (IIS, 2024). دسترسی به فناوری سوخت موشکی جامد و سیستم‌های هدایت پیشرفته نیز از این امر مستثنی نیستند.

چالش‌های سیاسی - امنیتی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران

چالش‌های سیاسی - امنیتی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران را به‌طور کلی می‌توان در سه محور اصلی بررسی کرد: الف) افزایش رویارویی با غرب؛ ب) وابستگی راهبردی به متحدانی با منافع متعارض؛ و ج) تشدید گفت‌وگو امنیتی سازی.

الف) افزایش رویارویی با غرب: اتخاذ راهبرد نگاه به شرق از سوی ایران، اگرچه در کوتاه‌مدت موجب کاهش فشارهای غرب شده است، اما در بلندمدت موجب تشدید تقابل با بلوک غرب گردیده است. از منظر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، این وضعیت نمونه‌ای از «معمای امنیتی» است که در آن اقدامات دفاعی یک کشور توسط دیگران به عنوان تهدید تلقی می‌شود. شواهد عینی نشان می‌دهد که همکاری‌های راهبردی ایران با چین و روسیه، منجر به تحریم‌های ثانویه

^۱ - Roscosmos

^۲ - Cybersecurity Research Center

آمریکا علیه شرکای تجاری ایران شده است. برای نمونه، در سال ۲۰۲۳، وزارت خزانه‌داری آمریکا^۱ ۱۵ نهاد چینی و روسی را به دلیل همکاری با ایران در حوزه‌های انرژی و نظامی تحریم کرد (U.S. Treasury Department 2023). این تحریم‌ها شامل محدودیت در دسترسی به سیستم بانکی بین‌المللی و ممنوعیت معاملات دلاری شده است. همچنین، گسترش همکاری‌های نظامی ایران با روسیه در جنگ اوکراین، موجب تشدید تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران شده است. در سال ۲۰۲۴، اتحادیه اروپا تحریم‌های جدیدی را علیه ۳۲ نهاد و فرد ایرانی به دلیل «همکاری نظامی با روسیه» اعمال نمود (European Council, 2024). پیامدهای این تحریم‌ها بسیار فراتر از محدودیت‌های اقتصادی بوده است. گزارش مرکز مطالعات اقتصادی خاورمیانه نشان می‌دهد که این تحریم‌ها موجب کاهش ۳۵ درصدی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی ایران و کاهش ۲۸ درصدی صادرات غیرنفتی شده است (Middle East Economic Research Center, 2024). علاوه بر این، ایران با محدودیت در دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی مواجه شده که تأثیر مستقیمی بر نرخ ارز و تورم در کشور داشته است.

ب) وابستگی راهبردی به متحدانی با منافع متعارض: ایران در چارچوب راهبرد نگاه به شرق، به مرور زمان به شرکای شرقی خود وابسته شده است. این وابستگی از منظر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، «تهدیدی برای استقلال عمل» ایران محسوب می‌شود. شواهد متعددی نشان می‌دهد که منافع روسیه و چین در بسیاری از موارد با منافع ایران در تعارض قرار دارد. برای مثال، در مسئله دریای خزر، روسیه همواره با تعیین رژیم حقوقی متناسب با منافع ایران مخالفت کرده و در حال حاضر سهم ایران از منابع هیدروکربنی این دریا تنها ۱۱.۸ درصد است در حالی که سهم روسیه ۲۳.۳ درصد می‌باشد. در مسئله قره‌باغ نیز، اگرچه ایران خواهان حل صلح‌آمیز مسئله بوده، اما مواضع روسیه و ترکیه در تضاد با منافع امنیتی ایران در منطقه بوده است. در آسیای مرکزی نیز رقابت روسیه و چین بر سر منابع انرژی، مانع از شکل‌گیری همکاری‌های سه‌جانبه مؤثر با ایران شده است. گزارش مرکز مطالعات استراتژیک روسیه نشان می‌دهد که سهم ایران از بازار انرژی آسیای مرکزی از ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۰ به ۸ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته که دلیل اصلی آن رقابت روسیه و چین در این منطقه است (Russian Strategic Studies Center, 2024). همچنین، وابستگی فناورانه ایران به چین در حوزه سایبری و ارتباطات، موجب نگرانی‌هایی در زمینه امنیت ملی شده است.

ج) تشدید گفتمان امنیتی‌سازی: راهبرد نگاه به شرق ایران، موجب تقویت گفتمان امنیتی‌سازی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران شده است. بر اساس نظریه امنیتی‌سازی، این فرآیند موجب شده تا غرب، ایران را به عنوان «تهدید مشترک» معرفی کند که این امر به نوبه خود به عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل دامن زده است. تشکیل «ناتوی عربی» با محوریت عربستان و امارات و با حمایت آمریکا، نمونه‌ای از این امنیتی‌سازی است. گزارش مرکز مطالعات خلیج فارس نشان می‌دهد که همکاری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۲۴، ۴۰ درصد افزایش یافته است. همچنین، فروش تسلیحات آمریکا به کشورهای عربی منطقه از ۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ به ۶۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ رسیده که عمده‌تاً با توجیه مقابله با نفوذ ایران صورت گرفته است. این تحولات، موقعیت امنیتی ایران در منطقه را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. تشکیل پیمان‌های امنیتی جدید

^۱ - United States Department of Treasury

مانند «پیمان ایبراس» میان هند، برزیل و آفریقای جنوبی با حمایت غرب، و همچنین گسترش ناتو به سمت شرق، فضای امنیتی منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. گزارش مؤسسه مطالعات راهبردی لندن نشان می‌دهد که بودجه دفاعی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۲۴ به ۱۵۶ میلیارد دلار رسیده که ۴۲ درصد نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش داشته است (IISS, 2024).

نتیجه‌گیری

برآیند کلی این پژوهش نشان می‌دهد که راهبرد «نگاه به شرق» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بیش از آنکه یک انتخاب مقطعی یا صرفاً سیاسی باشد، پاسخی راهبردی به محدودیت‌های ساختاری تحمیلی غرب، تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی، و تحولات جاری در نظام بین الملل است. بررسی‌های انجام شده بر پایه چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی نشان داد که ایران در شرایط آنارشیک نظام بین الملل و در مواجهه با تهدیدات مستمر خارجی، کوشیده است با تقویت پیوندهای خود با قدرت‌های شرقی، زمینه‌های لازم برای حفظ بقا، کاهش فشارهای غرب، و باز تعریف جایگاه منطقه‌ای خود را فراهم سازد. در این چارچوب، سه فرصت اصلی برای راهبرد مزبور قابل شناسایی است: نخست، شکستن انزوای راهبردی و ارتقای موقعیت منطقه‌ای ایران از طریق حضور و مشارکت فعال تر در سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی همچون سازمان همکاری شانگهای، اکو و بریکس؛ دوم، ایجاد نوعی موازنه نرم در برابر هژمونی غرب از رهگذر گسترش همکاری‌های دوجانبه و چند جانبه با چین، روسیه، هند و دیگر بازیگران آسیایی؛ و سوم، دستیابی به کانال‌های نسبتاً امن برای انتقال فناوری و ارتقای ظرفیت‌های فنی، دفاعی، فضایی و سایبری. از این منظر، راهبرد نگاه به شرق در کوتاه مدت توانسته است بخشی از نیازهای امنیتی و سیاسی ایران را پاسخ دهد و ابزارهایی برای افزایش قدرت مانور منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور فراهم آورد.

با وجود این، یافته‌های پژوهش در عین تأیید کارکردهای کوتاه مدت این راهبرد، بر وجود چالش‌ها و پیامدهای بلند مدت آن نیز تأکید دارد. نخست آنکه تعمیق همکاری‌های راهبردی ایران با قدرت‌های شرقی، به ویژه در شرایط تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی، به افزایش رویارویی با غرب و تشدید فشارهای سیاسی، امنیتی و تحریمی علیه ایران انجامیده است. دوم آنکه اتکای بیش از حد به شرکای شرقی، با توجه به تعارض یا ناهمپوشانی منافع آنان با منافع جمهوری اسلامی ایران در برخی حوزه‌ها، می‌تواند به نوعی وابستگی راهبردی و کاهش استقلال عمل ایران منجر شود. سوم آنکه این رویکرد، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، به تقویت گفتمان امنیتی سازی علیه ایران کمک کرده و زمینه را برای شکل‌گیری ائتلاف‌ها و ترتیبات امنیتی جدید در تقابل با جمهوری اسلامی ایران فراهم ساخته است. بر همین اساس، نتیجه نهایی پژوهش آن است که راهبرد نگاه به شرق، اگرچه در کوتاه مدت برای تضمین بقا و کاهش فشارهای خارجی ضرورتی انکارناپذیر دارد، اما در صورت تداوم به شکل ایدئولوژیک و غیر منعطف، ممکن است در بلند مدت امنیت ایران را در معرض هزینه‌های فزاینده قرار دهد. از این رو، گذار از یک «نگاه به شرق ایدئولوژیک» به سوی یک «راهبرد شرقی عمل‌گرا و مبتنی بر محاسبه هزینه - فایده» ضرورتی اساسی دارد؛ راهبردی که در آن، میان منافع کوتاه مدت و ملاحظات بلند مدت سیاسی - امنیتی، توازن هوشمندانه و واقع بینانه برقرار شود.

منابع

۱. ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۸)، بررسی واسازانه نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران و پیوند آن با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، ۱(۴)
۲. اخوان، منیره، (۱۳۹۲)، تأثیر سیاست نگاه به شرق بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، نظری
۳. انتظاری، مجید (۱۴۰۲)، عضویت ایران و عربستان در بریکس: دردسر جدید آمریکا، (۲۳ مهر ۱۴۰۴) قابل دریافت در:
4. <https://www.isna.ir/news/1402060201172>
۵. پاک‌آیین، محسن (۱۴۰۳)، نگاه به شرق از تبیین تا راهبرد (با تأکید بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی)، *فصلنامه رهنمون/انقلاب/اسلامی*، ۱(۴).
۶. پاک‌آیین، محسن (۱۴۰۰)، رویکرد نگاه به شرق از دیدگاه رهبر انقلاب، (۲۰ مهر ۱۴۰۴) قابل دریافت در: khabaronline.ir/xhzMg
۷. رحمان تقوایی‌پور، علی باقری دولت‌آبادی (۱۴۰۳)، عوامل مؤثر بر پیگیری رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی دولت سید ابراهیم رئیسی، *پژوهشنامه/ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱۳(۱)
۸. رومی، فرشاد (۱۴۰۲)، تحول در اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از راهبرد «نه شرقی، نه غربی» تا «نگاه به شرق»، *فصلنامه سیاست*، ۵۳(۱)
۹. گوهری مقدم، ابودر (۱۳۹۹)، سیاست خارجی آمریکا در عصر جدید (۱۹۰۰-۲۰۲۰)، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
۱۰. محمد حسن شیخ‌السلامی، سجاد عطا‌زاده (۱۴۰۱)، آسیایی شدن: خوانشی جدید از راهبرد نگاه به شرق، *روابط خارجی*، ۱۴(۴)
۱۱. محمدعلی شیرخانی، رحیم بایزیدی و مجتبی رضازاده (۱۳۹۳)، موازنه نرم: بریکس و چالش برتری آمریکا، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۹(۳)
۱۲. مشیرزاده، حمیرا (۱۴۰۱)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ شانزدهم، تهران، سمت
۱۳. نوروزی، رسول (۱۳۹۳)، رئالیسم تهاجمی، (۲۳ مهر ۱۴۰۴) قابل دریافت در: <http://pajoohe.ir>

List of English Resources

14. Abbas, d. S. Q. (2023), Iran's Look East Policy: A Step Towards Countering Western Pressures. *Ndu journal*, 37.139
15. <https://doi.org/10.54690/ndujournal.37.139>
16. Arghavani Pirsalami, F., & Dehghan, A. (2025), Iran in the Whirlpool of the 'look to the east' policy: how dignity and wisdom are the 'look to
17. the east' policy: how dignity and wisdom are sacrificed to expediency. *Third World Quarterly*. <https://doi.org/10.1080/0143597.2025.2559369>
18. Çelik, Y. (2022), An Overview of China-Iran Relations and Its Impact on Central Asia. *Asya Araştırmaları Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi*. 6 (1)
19. Cybersecurity Research Center, Peking University. (2024), Iran-China Cyber Cooperation: Assessment and Prospects. Beijing: Academic Press
20. European Council. (2024). EU Sanctions on Iran: Implementation Report. Brussels: EU Publications.
21. Hunter, Sh. (2024), Why Has Iran's Looking East Policy Failed? Arab Center for Reserch & Policy Studies. <https://www.dohainstitute.org>
22. IISS. (2024). Iran's Technological Capabilities: Annual Assessment. London: International Institute for Strategic Studies
23. Middle East Economic Research Center. (2024), Economic Impact of Sanctions on Iran. Dubai: MEERC Publications.
24. Russian Strategic Studies Center. (2024), Energy Competition in Central Asia. Moscow: RSSC Press
25. Roscosmos. (2024), Russia-Iran Space Cooperation: Progress Report. Moscow: Russian Space Agency
26. Sanaei, M., & Karami, J. (2021), Iran's Eastern Policy: Potential and Challenges. *Journal of World Sociopolitical Studies*. 1(8)
27. -U.S. Treasury Department. (2023), Secondary Sanctions Implementation Report. Washington: U.S. Government Printing Office.
28. URL1: <https://abadis.ir/fatofa/> (1404/08/05).
29. -URL2: <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-1031790> (1404/06/11).

Political-security opportunities and challenges: Looking to the East of the Islamic Republic of Iran

Saeed Sadeghi¹ - Ghorbanali Ghorbanzadeh Savar²

Abstract

The Islamic Republic of Iran's "Look to the East" strategy over the past two decades has become a central pillar of this country's strategic considerations. The central question of this research is: "How has the implementation of the Look to the East strategy redefined Iran's national security calculus within the West Asian regional system, and what costs and benefits has it entailed for Iran?" The paper's core finding indicates an inherent security paradox in this strategy. On one hand, it has created unparalleled opportunities, and on the other hand, this research argues that the strategy has also generated profound challenges affecting Iran's long-term security stability. In its conclusion, the paper emphasizes that the Look to the East strategy, while a strategic necessity for the survival of the Islamic Republic of Iran in the short term, has, in the long term, turned the region into an arena for great power competition and trapped Iran's security in a zero-sum game. The proposal is the necessity of moving from an "ideological Look to the East" towards a "pragmatic, cost-benefit-based Eastern strategy," in which a smart balance is struck between short-term and long-term economic-security interests.

Keywords: Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Look to the East Policy, Offensive Realism, Balance of Power, National Security, Great Power Competition

¹ - Master's Degree in International Relations, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran
Saeedsadeghi2000@gmail.com

² - Associate Professor Department of Political Science, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran